



# نان شب

این روزها نان خوردن جزو یکی از افتخارات شده است. وقتی بر سر سفره‌ای که نان بربری داشته باشد بنشینیم می‌توانی مدعی شوی که بر سر سفره اعیانی مهمان شده‌ای. این روزها برای پز دادن می‌شود با صدای بلند در خیابان گفت که دیشب نان بربری و تخم مرغ خوردیم. برای ما دیگر هیچ چیز از نان شب واجب‌تر نیست زیرا تهیه نان شب خودش از هر چیز دیگری واجب‌تر است. نظر به این که کار هرکس نیست خرید نان و پول کلان می‌خواهد و مرد پهلوان، پیشنهاد می‌شود برای داشتن خیالی آسوده و بی‌دغدغه نگرانی نان، خیال خوردن نان را از سر بیرون کرده و گمان کنی که نان خوردن مثل داشتن ماشینی می‌ماند و همان طور که قرار نیست مقابل همه خانه‌ها خودرویی پارک باشد به همین شکل قرار نیست که در سفره هر خانه‌ای نان پارک باشد!

پیشنهاد می‌شود برای بالا بردن کلاس کار نانوايي‌ها که این روزها بازارشان از پلافروشی‌ها سکه‌تر است دستگاه‌های نوبت‌دهی بانکی نصب شود و برای خرید نان سنگکی به باجه ۱، نان بربری ساده باجه ۲، نان بربری خشخاشی باجه ۳، نان تافتون باجه ۴ و... مراجعه شود.

تلخند پیشنهاد می‌کند برای تضمین آینده فرزندان، والدین در حساب بانکی آنها ماهی یک عدد نان سنگک ذخیره کنند تا بعد از بیست سال، ۲۴۰ نان سنگک داشته باشند که با توجه به سیر صعودی قیمت نان با فروش آنها در بازار سیاه بتوانند امورات زندگی خویش را بگذرانند.

تلخند پیشنهاد می‌کند قشر کم درآمدی که مدت‌هاست طعم نان برایشان ناآشناست در آشپزخانه شان تنور خانگی بسازند و در تهیه نان به خودکفایی برسند. داشتن یک تنور خانگی که هر زمانی هوس نان کردی یک نان تازه برایت بپزد چنان لذت بخش است که شما را وادار می‌کند از لحاظ داشتن تخم مرغ و شیر و... نیز به خودکفایی برسید. پرورش یک عدد مرغ و یک عدد گاو بر پشت بام خانه تان هم کار شما را آسان خواهد کرد.

تلخند پیشنهاد می‌کند از این پس به جای آن که برای نشان دادن اوضاع مالیاتان به اقوام، طلا و جواهر بر دست و سر و گردنتان آویزان کنید، در مهمانی‌ها با چند نان بربری حاضر شوید. مطمئن باشید که این نشان می‌دهد شما شکمتان سیر است و یک سر و گردن از بقیه بالاتر هستید! یادتان باشد بعد از مهمانی برای خودتان اسفند دود کنید!

نظر به این که این روزها در خیابان، داشتن نان بربری در دست از داشتن یک عدد سامسونت خطرناک‌تر است تلخند پیشنهاد می‌کند هرگز با نان در ملاعام حاضر نشوید زیرا ممکن است تعقیبتان کنند و با آسیب رساندن به شما نان را از دستتان بربایند!

تلخند پیشنهاد می‌کند خرید نان را شوخی نگیرید و به محض این که یک عدد از همین نان‌ها به دستتان رسید، چند عدد عکس یادگاری با آن ببندازید و بر در و دیوار خانه تان نصب کنید. یادتان باشد که بهتر است رابطه دوستانه‌ای با نانواي محله تان برقرار کنید. او دیگر یکی از مایه دار ترین اقشار جامعه است و می‌تواند دکور مغازه‌اش را مانند دکور جواهر فروشی بچیند. تلخند پیشنهاد می‌کند شما نیز در هر شغلی که هستید آن را رها کنید و بروید نانوايي باز کنید. هر چند این روزها نانوا شدن هم چیزی جز آرزویی محال نیست...

در ضمن تلخند خوشحالی‌اش را بابت گرانی نان ابراز می‌کند زیرا با گران شدن نان، حالا هر کس می‌تواند در زمینه نان خودکفا باشد، یکی نان دلش را بخورد، یکی نان صدایش را، یکی نان فکرش را، یکی نان بی‌خیالی‌اش را و یکی نان دیگری را!

## تحریم اشتباه!

مجید رحمانی صانع

هر کس به نوعی بنده را تحریم کرده است یک بار هم نه، بارها تحریم کرده است! بیگانه یا که آشنا، فرقی ندارد این یک جدا، آن یک جدا تحریم کرده است! با یک بهانه، از سر لچ، یا که بی خود حالا به جا یا نابه جا تحریم کرده است! الان سه روزه همسرم با بنده قهر است یعنی سه روزه بنده را تحریم کرده است! هنگام ظهر از آن پلوی شفته و شور شب از خوراک لوبیا تحریم کرده است! از ماهواره، درحقیقت فارسی وان از کولبی و آنالیا تحریم کرده است! آن هم به این علت که گفتم مادر تو ما را از شادی و صفا تحریم کرده است! هر چند من هستم دوگانه سوز، اما آن دیگری هم بی وفا تحریم کرده است! جوراست جنس من از این بابت که هر دو این برملا، آن در خفا تحریم کرده است! بازار تحریمات فعلا داغ داغ است انگار هرکس هر کجا تحریم کرده است! سیمین از نادر همین دیشب جدا شد می‌گفت ما را سینما تحریم کرده است! گفتم نمی‌بارد چرا باران در این شهر؟ ما را مگر ابرهوا تحریم کرده است؟! با خنده پاسخ داد: نه، این کار غرب است! با حکم موساد و سیا تحریم کرده است! تحریم از موشک که یک امر طبیعی است حتی ز پوشک بی‌حیا تحریم کرده است! شاید نمی‌دانند ز پوشک خودکفاییم این بار دیگر اشتبا(ا) تحریم کرده است!

## درحاشیه انتخابات

بهمن ترابی

بعضی از نامزدها برای اخذ رای بیشتر، مردم را به شام و ناهار دعوت می‌کنند

بیا حالا که وقت انتخابه  
مجهز باش بر وجدان کاری  
نکن دعوت کسی را شام و ناهار  
برای رای اگر در انتظاری  
که عطر گل نمایان است در باغ  
چه خواهد زاغ و چه گوید قناری!